

يك نمونه از خط مرحوم وصال شیرازی

بقلم آقای

علی - افقه

میرزا شفیع شیرازی ملقب بمیرزا کوچک و متخلص بوصال یکی از نمایندگان ذیشان ادبیات فارسی در نیمه اول قرن سیزدهم هجری و از هنرمندان جلیل القدر این دوره است و او علاوه بر این مقامات در فضایل اخلاقی سرآمد اقران خود بوده و شش پسر تربیت کرده است که ایشان نیز هر يك در فضل و کمال و شعر و حسن خط و نقاشی و تذهیب منشأ آثار قابلی شده و یادگارهای نفیسی از خویش بجا گذاشته اند.

مرحوم وصال که سر سلسله این خاندان فضل و هنر است چنانکه ذیلاً خواهیم گفت در نوشتن اقسام مختلفه از خطوط عربی و فارسی استاد بوده و در تقلید شیوه استادان مسلم نسخ و شکسته و نستعلیق و ثلث کمال مهارت را داشته و بر اثر کثرت ممارست در تحریر خود نیز در این شعب از خطوط صاحب سبکی مخصوص شده مخصوصاً نسخ و نستعلیق و تحریر را بوضع بسیار زیبایی مینوشته است.

قطعه ای که در اینجا عکس آن منتشر میشود نمونه ایست از خط نسخ و تحریر آن مرحوم که در ۱۲۵۵ یعنی هفت سال پیش از مرگ آن استاد هنرمند نوشته شده و آنرا نگارنده در سفر اخیر شیراز بدست آورده است. برای آنکه خوانندگان محترم از احوال مرحوم وصال اطلاعی اجمالی بدست بیاورند ذیلاً مختصری از ترجمه احوال او نیز بدست داده میشود.

مرحوم میرزا شفیع وصال ملقب بمیرزا کوچک ابتدا مهجور تخلص میکرد و او فرزند اسمعیل بن محمد شفیع بن میرزا اسمعیل است که در سال ۱۱۹۲ در شیراز

تولد یافته و ابتدای جوانی را بتحصیل علوم و تهذیب نفس در پیش میرزا ابوالقاسم سکوت از عرفای نامی عهد گذرانده است.

شروع شاعری وصال مقارن شده است با دوره تجدید شعر فارسی که از اواخر



تصویر مرحوم وصال بنام پسرش داوری (قبل از کتاب الش وصال)

عهد نادری بهمت يك عده از گویندگان مقیم شهر اصفهان اساس آن ریخته شده بود. وصال نیز همین سیره را پیش گرفته و از تقلید فصیحای قدیم زبان فارسی و ریختن کلام خود در قالب صحیح و سالمی که بدست ایشان پرداخته شده بود منحرف نگردیده بهمین جهت اشعار او از حال سستی و سخافتی که در گفته بسیاری از گویندگان عهد صفویه دیده میشود فارغ است. عمده تخصص وصال در شعر بغزل

سرائی است در تقلید از سعدی و حافظ و مرثی شورانگیز او صکه آنها را بروش مخشتم کاشانی ساخته و او را بسیار مشهور کرده است.

فهرست آثار منظوم و منثوری که از وصال بجای مانده از اینقرار است :

- ۱- رساله ای در حکمت و کلام بنثر و نظم ،
 - ۲- رساله ای در گفتار فارابی حکیم در موسیقی ،
 - ۳- رساله ادبیات و قوانین عروض ،
 - ۴- رساله ای در تفسیر احادیث بنظم و نثر ،
 - ۵- کتاب صبح وصال بطرز گلستان ،
 - ۶- قسمتی از فرهاد و شیرین وحشی که در حدود ۱۸۰۰ بیت است و قسمت آخر این منظومه را صابر شیرازی متوفی سال ۱۲۸۰ بانجام رسانده است ،
 - ۷- منتخبی از مقالات زمخشری ،
 - ۸- بزم وصال در حدود ۷۰۰ بیت ببحر متقارب ،
 - ۹- کلیات اشعار بالغ بر ۳۰۰۰ بیت و غزلیات او که پاره ای بتقلید سعدی و قسمتی بتقلید حافظ و قسمتی هم از مخترعات طبع خود اوست .
- از این جمله فقط کلیات و فرهاد و شیرین و شرح مقالات زمخشری بچاپ رسیده است .

از سوانح مهم حیات وصال سفیری است که او بعزم هندوستان از شیراز بیوشهر رفته لیکن مانند حافظ از موج دریا هراسان گشته بشیراز مراجعت نموده است . در آخر عمر نیز بشرحیکه اشاره خواهیم کرد دو دیده اش از نور بصر عاری گردید و قلیل مدتی را قبل از وفات بحال نایبانی سر مینمود .

اسامی شش پسر هنرمندی که از وصال بجای ماند از اینقرار است .

- ۱- میرزا احمد و قارمتوفی ۱۲۹۸
- ۲- میرزا محمود حکیم متوفی ۱۲۷۴
- ۳- میرزا محمد داوری متوفی ۱۲۸۳

فِي الْحَجْرِ جِبْرِ اللّٰه وَ لَوْ دُوِدُ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ الْعِلْمَ فِي قَلْبِي وَ
الْعُزْرَةَ فِي قَرْبِي وَ اَلْحَبْلَ مَا بَيْنَ يَدَيْ
يَا بِي وَ اَلْيَسْرَ رَحْمَةً لِّكَ
اَلَا كَيْفَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَتَّعَبُوا
كَيْفَ يَجْعَلُكَ وَ يَجْعَلُ لِي
لَا يَحْسَبُ اَيُّ كَيْفٍ يَبْرَحُ هَذَا الْخَلْقَ

اَوْحَى اللّٰهُ تَعَالَى لِي بَعْضُ اَنْبِيَآءِهِ اَنْذَرِي
لِرُزُقِ الْاٰخِرِ قَالَ لَا قَالِ لِي لِيَعْلَمَ الْعَاوِلُ
اَنْ طَلِبَ الرُّزُقِ لِيَسْرًا بِالْاِحْتِمَالِ قَبْلَ

صَلَاةِ الْاِسْتِطَارَةِ
اَوْ اَلْحَبْلَ مَا بَيْنَ يَدَيْ
عَلَى مَنْ عَدِي وَ لِي
اَلَا كَيْفَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَتَّعَبُوا
كَيْفَ يَجْعَلُكَ وَ يَجْعَلُ لِي
لَا يَحْسَبُ اَيُّ كَيْفٍ يَبْرَحُ هَذَا الْخَلْقَ

فِي الْحَجْرِ جِبْرِ اللّٰه وَ لَوْ دُوِدُ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ الْعِلْمَ فِي قَلْبِي وَ
الْعُزْرَةَ فِي قَرْبِي وَ اَلْحَبْلَ مَا بَيْنَ يَدَيْ
يَا بِي وَ اَلْيَسْرَ رَحْمَةً لِّكَ
اَلَا كَيْفَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَتَّعَبُوا
كَيْفَ يَجْعَلُكَ وَ يَجْعَلُ لِي
لَا يَحْسَبُ اَيُّ كَيْفٍ يَبْرَحُ هَذَا الْخَلْقَ

نمونه خط مرهم وصال شیرازی

۴ - میرزا ابوالقاسم فرهنگ متوفی ۳۰۹

۵ - میرزا اسماعیل توحید متوفی ۱۲۸۶

۶ - میرزا عبدالوهاب یزدانی متوفی ۱۳۲۸

برای شرح حال مفصل تر وصال رجوع شود بگکشن وصال ص ۲۲ - ۱۲۶ تألیف آقای روحانی، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۲۸-۵۴۷، آثار عجم ص ۳۵۸، مدایح معتمدیه نسخه خطی کتابخانه مجلس ص ۶۶۸ فارسی نامه ناصری ج ۲ ص ۶۴-۶۶ و ۱۵۲، ترجمه تاریخ ادبیات مرحوم ادوارد براون ج ۴ ص ۱۹۴ و ۲۰۳-۳۰۵ و ذیل فهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا تألیف ریو ص ۱۹۷.

مرحوم وصال چنانکه گفتیم در تحریر اقسام خطوط بخصوص نسخ و شکسته و نستعلیق ماهر بوده و شصت و هفت قرآن و هفتصد مجموعه از دعوات بخط خود باقی گذاشته و قطعاتی که از او بیادگار مانده در کتابخانه های شخصی و عمومی بیجاست. زندگانی او از راه خوش نویسی و کتابت میگذشته و هیچگاه شاعری را کسب قرار نداده از این طریق استفاده مادی نداشته است. علاوه بر خطاطی چنانکه گذشت وصال در نقاشی و تذهیب و صحافی نیز مهارت بسزائی داشته است معروف است که در سفر فتحعلیشاه بشیراز وصال کتابی را که بخط و صحافی و تذهیب و نقاشی خود ترتیب داده بود تقدیم پادشاه نمود فتحعلیشاه گفته بود وصال انصافاً در هنر اسراف کرده است و همین امر موجب ملال شاعر حساس گردید و وصال یکی از پرکارترین خطاطان ایران است در اواخر عمر بواسطه همین قسمت چشمهایش آب آورد پس از میل زدن یکسال دیگر از نعمت بینائی برخوردار بود و خواست تلافی مافات را کرده باشد هر چند او را از نوشتن منع کردند مفید نیفتاد و مشغول خطاطی گردید این بود که در سال آخر عمر بکلی از هر دو چشم نابینا گردید و در ۱۲۶۳ فوت کرد از نمونه ۱۵۹۱ خوب خط و وصال نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه مجلس شورای